



سخن روز

مصادیقی از اقتصاد مقاومتی در حوزه منابع طبیعی کشور

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری، امام شهیدمان، مطرح و سیاست‌های کلی آن در سال ۱۳۹۲، ابلاغ شد. هدف اصلی اقتصاد مقاومتی (Economic Resilience یا Resistance Economy) کاهش وابستگی به منابع (اعم از تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر)، تقویت تولید داخلی و افزایش مقاومت در برابر تکان‌های بیرونی (مانند تحریم‌ها) و درونی (مانند ناکارآمدی‌های مدیریتی) و هم‌زمان تأمین رشد پویا، شکوفا و عدالت‌محور بود. برخی از اصول کلیدی سیاست‌های کلی و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از: درون‌زایی و برون‌نگری کنترل‌شده، عدالت‌محوری، امنیت اقتصادی و غذایی، خودکفایی و خوداتکایی در محصولات راهبردی و اساسی، کار و تلاش جهادگونه، بهره‌گیری حداکثری از متخصصان داخلی، تجارب خارجی متوازن، مدیریت علمی و تولید دانش‌بنیان.

از آنجایی که در پیام نوروزی مقام معظم رهبری، امسال به نام «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» نام‌گذاری شده، شایسته است حتی‌الامکان جایگاه اقتصاد مقاومتی در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست تشریح و تبیین شود. به نظر می‌رسد اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که بر پایه صرفه‌جویی آگاهانه و داوطلبانه، سخت‌کوشی، تلاش و کار حداکثری با حداقل امکانات، تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات موجود در داخل کشور و تکیه بر توان و سرمایه‌های علمی، فناورانه و انسانی داخلی (ملی)، به جای تکیه بر منابع و سرمایه‌های معدنی شکل گرفته است. بدیهی است در این رویکرد، نوع تعامل و برخورد با طبیعت و محیط‌زیست به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود تا این منابع و سرمایه‌های ارزشمند خدادادی، دستخوش کمترین آسیب و تخریب احتمالی قرار گیرند. نبود نگاه زیاده‌خواهانه و سودجویانه به منابع طبیعی و محیط‌زیست و حفظ منابع و معادن موجود برای نسل‌های آینده از جمله اصولی است که باید در اداره، توسعه و پیشرفت کشور در چهارچوب اقتصاد مقاومتی مدنظر قرار گیرد. در ادامه به برخی از الزامات و باید‌هایی که رعایت آن‌ها در چهارچوب مبانی اقتصاد مقاومتی در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست مورد تأکید است، اشاره می‌شود:

۱- استفاده از آب‌های سطحی و زیرزمینی باید در اندازه و میزانی باشد که ثبات و پایداری کمی و کیفی آب حفظ شود و چرخه اکولوژیک آن بدون هرگونه خللی در بلندمدت تداوم یابد. متأسفانه در حال حاضر برداشت بی‌رویه، سودجویانه و زیاده‌طلبانه از آب‌های سطحی و زیرزمینی موجب کاهش چشمگیر ذخایر آب‌های زیرزمینی شده، به طوری که سطح آب‌های زیرزمینی به شدت افت کرده است، بیلان منفی آب‌های زیرزمینی به بیش از میزان آب ورودی یک‌ساله کشور رسیده و فرونشست شدید زمین در بسیاری از نقاط کشور رخ داده است. در صورت پیاده‌شدن کامل اقتصاد مقاومتی انتظار می‌رود، بر پایه نگاه صرفه‌جویانه و غیر زیاده‌خواهانه و سازگار با محیط‌زیستی که در این رویکرد است، به مرور بتوانیم حتی‌الامکان و تا اندازه زیادی آثار سوء ایجادشده را در حوزه آب جبران کنیم. اگرچه برخی از این آثار سوء زیست‌محیطی، مانند فرونشست‌ها و برخی از آلودگی‌ها برای همیشه، یا مدت‌های طولانی در طبیعت باقی خواهند ماند.

۲- باید تغییر کاربری اراضی کشور به حداقل ممکن تقلیل یابد. عمده تغییر کاربری‌های اراضی که ریشه در افزایش جمعیت، زیاده‌خواهی‌ها و توقعات بیش‌ازحد از طبیعت دارد، در حوزه کشاورزی، صنعتی و شهری کشور رخ می‌دهد. متأسفانه توقع بیش‌ازحد از طبیعت بیابانی خشک و نیمه‌خشک کشور موجب شده است مراتع و بیابان‌های کشور هر روز به‌طور فزاینده‌ای شخم زده شوند و به‌صورت دیم و آبی به زیرکشت محصولات مختلف بروند. این امر باعث شده است که نخست، راندمان تولید محصول در این‌گونه اراضی (به‌علت پایین بودن کیفیت و مرغوبیت خاک و نیز میزان آب در دسترس)، بسیار پایین و فاقد صرفه اقتصادی باشد. دوم، تخریب و فرسایش آبی و بادی خاک این اراضی، این اکوسیستم‌های بسیار شکننده و آسیب‌پذیر را برای همیشه از بین ببرد. راه‌اندازی و تأسیس کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی در مناطق و اراضی نامناسب (مانند نقاط مرکزی کشور) و تغییر کاربری این اراضی و به‌دنبال آن احداث جاده‌های دسترسی و از آن مهم‌تر اختصاص و مصرف آب ناچیز منطقه، برای فعالیت‌های صنعتی موجب شده است سطح زیادی از اراضی مرتعی، بیابانی و حتی جنگلی کشور از بین برود و مناطق و عرصه‌های پیرامونی دستخوش تخریب و تغییرات جدی شوند. با نگاهی گذرا به پراکندگی و توزیع نامناسب مناطق صنعتی کشور می‌توان دریافت که نخست، صدور مجوز آن‌ها، مانند برخی از معادن کشور غیر ضروری بوده است. دوم، مکان‌یابی بسیاری از واحدهای صنعتی می‌توانست در سواحل جنوبی، جایی که آب و سایر امکانات لازم برای آن‌ها فراهم بود، انجام شود. متأسفانه این روند باعث شده است که اراضی جنگلی، مرتعی و بیابانی کشور تخریب شوند، همچنین، محیط‌زیست آن منطقه، به‌خاطر استفاده از آب اندک موجود، آلودگی آب‌وهوای آن و نیز بروز و توسعه گردوغبار و ریزگرد‌ها، با آسیب جدی



سخن روز

روبه‌رو شود. به‌طور خلاصه، در چهارچوب اقتصاد مقاومتی و مبانی این رویکرد توسعه‌ای، می‌توان بخش عمده‌ای از تغییرات کاربری را کاهش داد و بخشی را نیز با اتخاذ تدابیر اصولی و درست به‌گونه‌ای انجام داد تا کمترین آسیب به طبیعت وارد شود. ۳- باید از سیاست‌های توسعه‌ای «منبع‌محور» به سمت راهکارهای پیشرفت «دانش‌محور» تغییر جهت داد. کشورها، در مسیر رشد اقتصادی با حداقل دو مرحله تولید «منبع‌محور» و تولید «دانش‌محور» روبه‌رو هستند. در این چهارچوب، گذار از تولید منبع‌محور به دانش‌محور، مستلزم تداوم رشد اقتصادی است. استفاده از منابع طبیعی برای راه‌اندازی، تحریک و تسریع کوتاه‌مدت رشد و توسعه اقتصادی، قابل‌قبول و حتی قابل‌توصیه است. اما در ادامه، کشورها باید، به سمتی حرکت کنند که بتوانند اقتصاد کشورشان را بدون وابستگی به منابع طبیعی پررونق‌تر کنند. امروزه اقتصاد دانش‌بنیان، وابستگی کشورها را به منابع طبیعی کاهش داده است. به‌عبارت‌دیگر، در اقتصاد دانش‌بنیان، بهره‌وری و راندمان استفاده از منابع طبیعی افزایش خواهد یافت و این امر موجب کاهش میزان نیاز به منابع طبیعی خواهد شد. صنعت گردشگری و استفاده از انرژی‌های پاک نیز دو راهکار دیگر برای اقتصادهای «مستقل از منابع»، مانند اقتصاد مقاومتی هستند. مقاله‌ای با عنوان «گذار از اقتصاد منبع‌بنیان به دانش‌بنیان» منتشر شده در شماره ۱۴۸ همین نشریه در سال ۱۴۰۳، به تفصیل به این موضوع پرداخته است.

۴- باید مدیریت بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به‌صورت بهینه و علمی انجام شود. بهره‌برداری از جنگل‌های شمال براساس طرح‌های جنگل‌داری از سال ۱۳۳۸ آغاز شد. اما برداشت‌های بی‌رویه، غیرقانونی و خارج از چهارچوب طرح‌ها، بهره‌کشی بیش از ظرفیت جنگل‌ها، روند کاهش سطح و کیفیت جنگل‌های شمال، خطر زوال تدریجی جنگل‌ها و نابودی و انقراض گونه‌های ارزشمند جنگلی و نیز توجه بیشتر به اهمیت زیست‌محیطی جنگل‌های شمال، به‌مرور موجب تقویت جلوگیری از هرگونه برداشتی از این جنگل‌ها توسط مسئولان شد. تا اینکه در سال ۱۳۹۶، اجرای طرح‌های جنگل‌داری متوقف شد و «قانون تنفس جنگل‌ها» به اجرا درآمد. اجرای طرح تنفس، با وجود همه نواقض توانست فواید و دستاوردهایی را از جمله جلوگیری از خروج بسیاری از درختان نادر و ارزشمند از جنگل‌ها، کاهش سرعت روند تخریب جنگل‌ها و بازگشت مجدد حیات جانوری به بار آورد و فرصت استراحت و تجدید قوا را برای جنگل‌های کشور ایجاد کند. اجرای کامل این طرح می‌تواند در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از تخریب جنگل‌ها جلوگیری نماید. خواننده گرامی می‌تواند این موضوع را به‌طور مفصل در مقاله‌ای با عنوان «طرح‌های جنگل‌داری» یا «طرح تنفس جنگل»، کدام‌یک؟ دوگانه‌ای ناموجه و باطل!، در شماره ۱۴۸ همین نشریه مطالعه نماید.

حضور و چرای دام بیش از ظرفیت مراتع نیز موجب تخریب این عرصه‌های طبیعی و ارزشمند شده است، به‌طوری‌که کیفیت مراتع کشور در بسیاری از مناطق مهم کشور در ۳۰ سال گذشته به نصف تقلیل یافته است. چرای متعادل دام در مراتع و خروج کامل دام از جنگل‌های کشور، می‌تواند تا اندازه زیادی از سیر قهقرایی زوال این عرصه‌های طبیعی جلوگیری نماید.

جمع‌آوری و برداشت بی‌ضابطه، غیراصولی و غیرقابل‌کنترل گیاهان و فراورده‌های دارویی و صنعتی (اعم از بوته‌های مرتعی، گال‌ها، صمغ‌ها، شیرابه‌های درختان و ...) از عرصه‌های جنگلی و مرتعی کشور، باعث صدمات غیرقابل‌جبرانی (مانند نواپایی و در معرض انقراض قرارگرفتن برخی از گونه‌های گیاهی و تشدید زوال درختان جنگلی) به این عرصه‌ها شده است. اکنون فرصتی فراهم شده است تا اصولی مانند صرفه‌جویی آگاهانه و نیز مهار خوی زیاده‌طلبی و سودجویی برخی از ذی‌نفعان، با انگیزه‌های مضاعف دنبال و ترویج شود و این‌گونه رویه‌های غلط و رفتارهای ناسازگار با طبیعت و محیط‌زیست در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اصلاح شود، تا به‌نحو مؤثرتری از تخریب بیشتر عرصه‌های طبیعی جلوگیری شود.

۵- باید سهم و حق طبیعت و محیط‌زیست در پروژه‌های توسعه‌ای کشور رعایت شود. از آن‌جاکه توسعه اقتصادی برخی از کشورها، در گام‌های اولیه، به منابع طبیعی وابسته است، باید در استفاده از آن‌ها جنبه‌های اقتصادی نیز مدنظر باشد و ارزش این منابع محاسبه و هزینه آن متناسب با ارزش کالای تولیدی در نظر گرفته شود، نه اینکه، چون این منابع در طبیعت موجودند و به اصطلاح «خدادادی» هستند، بسیار ارزان و حتی رایگان تلقی و محسوب شوند. دولت‌ها باید حداقل از دو طریق، ارزش و اهمیت منابع طبیعی را به مردم و ذی‌نفعان یادآوری کنند. اول، از طریق ابلاغ سیاست‌ها و رویکردها، در قالب قوانین و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور، مانند همه الزامات و تعهدات زیست‌محیطی که هر واحد صنعتی در چهارچوب پیوست زیست‌محیطی طرح اولیه خود، ملزم به اجرای آن شده‌اند، مثل مشارکت‌های اجتماعی و توسعه فضای سبز اطراف واحد صنعتی خود. دوم از طریق برقراری سیاست‌های مالیاتی زیست‌محیطی، به‌خاطر استفاده از منابع طبیعی و نیز آلودگی‌های احتمالی که در خلال فرایند تولید یا استخراج به محیط‌زیست کشور تحمیل شده است. بدیهی است می‌توان از درآمدهای

حاصله از این طریق، برای جبران خسارت‌های وارده و نیز حفاظت بهتر منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور بهره جست.

۶- باید در کنار «سرمایه‌های مولد» به «سرمایه‌های محافظ» توجه شود. به نظر می‌رسد هر کشوری باید در کنار ایجاد سرمایه‌های مولد (Productive Capital)، (مانند زیرساخت‌ها و صنایع مختلف) بخشی از اعتبارات عمومی خود را به تولید سرمایه‌های محافظ (Protective Capital) (به منظور حفاظت از سرمایه‌های مولد) اختصاص دهد. در غیر این صورت، هر لحظه امکان از بین رفتن و تخریب تمامی سرمایه‌های مولد، در اثر سوانح و بلایای غیرمترقبه وجود دارد. معمولاً بخش عمده‌ای از سرمایه‌های محافظ، در حوزه‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی، برای جلوگیری از خسارت‌های ناشی از سیلاب‌های خطرناک اختصاص دارد (مانند عملیات آبخیزداری، آبخوان‌داری و توسعه فضای سبز و کاشت درخت در مناطق مناسب). بدیهی است با توسعه سرمایه‌های محافظ، می‌توان از سرمایه‌های مولد کشور، در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی مقاومتی، محافظت کرد و به پایداری و تاب‌آوری بیشتری در این حوزه‌ها دست یافت. مطالبی در این مورد در سخن روز شماره ۱۴۳م همین نشریه با عنوان سیل بلوچستان، نابودی «سرمایه‌های مولد» در نبود «سرمایه‌های محافظ»، به تفصیل ذکر شده است.

۷- باید ساده‌زیستی، ترویج و از مصرف‌گرایی افراطی و بی‌رویه پرهیز شود. متفکران جریان پساتوسعه و حامی محیط‌زیست، همگان را به «زندگی شایسته» (The Art of Living)، یعنی ساده‌زیستی، هماهنگی با طبیعت و احترام به آن دعوت می‌کنند. برخی از آن‌ها مبلغ «فقر هم‌زیستانه» هستند و میان «فقر» (سبک زندگی مبتنی بر صرفه‌جویی، که ارادی و انتخابی است) و «بدبختی و فلاکت» (نبود دسترسی به مایحتاج اولیه) تمایز قائل می‌شوند. در کنار عبارت «فقر هم‌زیستانه» مفهوم «مهار رشد» (Degrowth) نیز با هدف کاهش فشار بر منابع طبیعی و محیط‌زیست تولید شده است. در کنار این دو، مفهوم «فراوانی صرفه‌جویانه» (Frugal Abundance) نیز ابداع شده است که بر رفاه واقعی، اما از طریق صرفه‌جویی دلالت دارد. به‌طورکلی، همه این مفاهیم و واژه‌ها، بر انتخاب یک زندگی سالم و خوشبخت با رعایت صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف، به‌منظور داشتن منابع طبیعی و محیط‌زیستی پایدار، تاب‌آور، مستمر و پویا تأکید دارند. این موضوع در شماره ۱۵۵م این نشریه در مقاله‌ای با عنوان «نقش توسعه در تخریب محیط‌زیست از منظر مکتب پساتوسعه» در زمستان ۱۴۰۴ مطرح شده است. از آن‌جاکه صرفه‌جویی، یکی از اصول اولیه اقتصاد مقاومتی است، بنابراین می‌توان در پرتوی سیاست اقتصاد مقاومتی به ترویج و فرهنگ‌سازی این رفتار نیکو، پسندیده و ایمانی پرداخت.

در مجموع، لازم است در سال پیش‌رو که سال «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» است، مدیران و دست‌اندرکاران منابع طبیعی نیز اعم از اجرا، پژوهش، آموزش و ترویج، نقش و جایگاه خود را در پیگیری این شعار مهم پیدا و برنامه‌های خود را با تأکید بر این رویکرد راهبردی تنظیم نمایند. صرفه‌جویی، کار جهادگرانه، تکیه بر توان و سرمایه‌های علمی و فناورانه ملی، درون‌زایی و برون‌نگری، حفاظت از منابع طبیعی و معادن موجود برای نسل‌های آینده از جمله اصول مهمی هستند که می‌توانند در چهارچوب مبانی اقتصاد مقاومتی قرار گیرند. بر این اساس، در این نوشتار به برخی از راهکارهای مهمی که می‌توانند در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه منابع طبیعی قرار گیرند، اشاره شد. در صورت رعایت این اصول، ضمن بهره‌برداری ضابطه‌مند و علمی از منابع طبیعی و کمک به توسعه پایدار، می‌توان نسل حاضر و آتی کشور را به‌طور تضمین‌شده و برای درازمدت از محیط‌زیستی زنده، پویا، پایدار، مقاوم و تاب‌آور (در برابر تکانه‌های مختلف داخلی و خارجی) برخوردار نمود.